

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه:	قربانی، خاور، ۱۳۵۹ -
عنوان قراردادی:	شاهنامه، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدید آور:	جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی/تألیف خاور قربانی، حمیرا زمردی؛ زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی
مشخصات نشر:	تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	۳۳۱ ص.
فروست:	انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ ۴۳۸/۲.
شابک:	۸-۲۸۱-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸-۱۲۰۰۰ تومان
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
موضوع:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نام‌های جغرافیایی
موضوع:	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Names, Geographical
موضوع:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع:	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and Interpretation
موضوع:	نام‌های جغرافیایی در ادبیات
موضوع:	Names, Geographical, in Literature
موضوع:	شعر فارسی -- نرن ۴ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع:	Persian Poetry -- 4th century -- History and Criticism
موضوع:	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ ق. شاهنامه . برگزیده . شرح
شناسه افزوده:	زمردی، حمیرا، ۱۳۴۷ -
شناسه افزوده:	دانشگاه علامه طباطبائی.
شناسه افزوده:	۱۴۰۲ ق ۴/۲ PIR۴۴۹۷/
رده‌بندی کنگره:	۸ فا ۱/۲۱
رده بندی دیویی:	۴۹۴۹۷۹۵
شماره کتابشناسی ملی:	

جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

مؤلف:

دکتر خاور قربانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

دکتر حمیرا زمردی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

چاپ دوم



جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

مؤلفان:

دکتر خاور قربانی
دکتر حمیرا زمردی

زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۷-۲۸۱-۸

ویراستار: عصمت دری‌کوند

سر ویراستار: نازیلا فرمانی انوشه

صفحه‌آرا: مریم زندی

نمایه‌ساز: ماجد خلیل نژاد

طراح جلد: رسول خسرو بیگی

ناظر فنی: رضا دنیوی

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۴۸۷

فروشگاه آنلاین انتشارات book.atu.ac.ir

سایت مرکز چاپ و انتشارات press.atu.ac.ir

سایت فروشگاه الکترونیکی https://mybooket.com/atu

آدرس فروشگاه مرکزی: تهران انتهای بلوار دهکده المپیک، دانشگاه علامه طباطبائی

نیش درب ورودی میدان ورزش تلفن: ۴۸۳۹۲۶۵۹ همراه: ۰۹۹۰۲۴۹۹۹۸۵

چاپ دوم ۱۴۰۲ شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

دریغا، تپشی که آهنگ خوش هستی بود، سکوت کرد؛
آه، غنچه‌های تبسمی که همراه کلام دلنشینش در دشت دانش آموختگی، نشاط‌بخش
روح خسته ما بود، غروب کرد؛
افسوس، قدوم سبزش که کوچه باغ‌های علم را صفای می‌بخشید از حرکت ایستاد.
هزار درد و هزاران آه ...
نه این‌ها را اشک‌هایم نوشتند، قلبم در گوش جان زمزمه می‌کند؛
«دستان روشن که بوته‌های سبززمینی را پرورش می‌داد، آسمانی شد،
تن پرتلاشت، در میان نور و عطر رحمت جاودانه شد
و روح مطهرت غرق در بوستان یاس، می‌خک و شقایق به آرامش ابدی رسید»

تقدیم به استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر محمدحسین محمدی

به پاس زحمات بی‌دریغشان

گفتار ناشر

ماهیت پژوهشی دانشگاه در دوره جدید بیش از دوره‌های قبل رسمیت می‌یابد؛ از بعد تاریخی، پیش از تأسیس نهاد دانشگاه، جامعه با پدیده آموزش رسمی آشنا بوده، هرچند که این آموزش مبتنی بر محفوظات بوده است. اما تحول مهمی که ظهور دانشگاه در ماهیت و بنیان آموزش ایجاد کرد، ظهور آموزش مبتنی بر پژوهش بود. به عبارت دقیق‌تر آنچه در دانشگاه باید آموزش داده می‌شد نه ترجیحات شخصی بلکه نتیجه پژوهش‌های عمیق و پر دامنه در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بود. بدین سان دانشگاه فضای امنی برای تأمل، تفکر، پژوهش و انتشار این گونه پژوهش‌ها گردید. البته شیوه سنتی انتشار پژوهش‌ها، انتشار شفاهی یا همان چیزی بود که از دیرباز آموزش نامیده می‌شد. اما اکتشافات جدید علمی جز با انباشت و نقادی دانش‌های قبلی اتفاق نمی‌افتد و بدین ترتیب بود که راه‌های جدیدی برای انتشار و انباشت دانش و خصوصاً انتشار آثار به شکل مکتوب (کتاب، مجله، بانک‌های اطلاعاتی و...) پیدا شد

تأسیس نهاد انتشاراتی دانشگاه‌ها، در جایگاه بخش اجتناب‌ناپذیر توسعه علمی شایان اهمیت است. مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی در مقام بزرگ‌ترین دانشگاه علوم انسانی کشور نیز از این قاعده مستثنی نیست، به طوری که هم می‌تواند در انتشار افکار، اندیشه‌ها، نظریات و تولیدات علمی

استادان، دانشجویان و اصحاب دانش کوشا باشد و هم به نیازهای علمی جامعه پاسخ گوید.

فعالیت مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه از سال ۱۳۹۲ با احیای شورای انتشارات دانشگاه متشکل از استادان فعال و پرکار در عرصه پژوهش و انتشار و نمایندگان دانشکده‌ها و مراکز پژوهشی وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره همگام با تحول اساسی در کیفیت و کمیت آثار منتشرشده، رویکرد نوینی نیز مبتنی بر اولویت آثار بنیادین، بومی و برگرفته از تأملات نظری و عملی استادان در پیش گرفته شد. البته در این میان، ترجمه آثار کم‌نظیر و بی‌مانند در کشور با موافقت شورای انتشارات دانشگاه نیز مورد غفلت قرار نگرفته است. هرچند تا نیل به مطلوب فاصله زیادی وجود دارد و همکاری همه استادان و پژوهشگران را می‌طلبد؛ اما در همین مدت کوتاه نیز سالانه بالغ بر یک‌صد عنوان از آثار استادان دانشگاه به زیور طبع آراسته شده است و امید می‌رود این روند با کیفیتی بالاتر همچنان در مسیر رشد و ترقی طی شود.

کتاب حاضر از جمله آثار دانشگاه است که پس از طی فرایند بررسی و داوری‌های علمی و ادبی، اینک در اختیار خوانندگان محترم قرار می‌گیرد. امید می‌رود علاقه‌مندان و خوانندگان این اثر نیز مانند سایر آثار دانشگاه، صاحب اثر را از نقدهای مشفقانه خود بهره‌مند سازند.

مرکز چاپ و انتشارات

دانشگاه علامه طباطبائی

فهرست مطالب

پیشگفتار

۱	۱. مراکز حکومتی در شاهنامه
۲	۱,۱. مرکز حکومت پیشدادیان در شاهنامه
۲	۱,۱,۱. حیات کیومرث در کوه
۳	۲,۱,۱. نخستین اقدامات شهرسازی در دورهٔ تهمورث
۳	۳,۱,۱. پارس مرکز شاهان پیشدادی
۷	۲,۱. پارس مرکز حکومت کیانیان
۹	۳,۱. مرکز حکومت اشکانیان
۹	۴,۱. مرکز حکومت ساسانیان
۹	۱,۴,۱. اصطخر
۱۰	۲,۴,۱. مدائن
۱۴	۲. خراسان و توابع آن در شاهنامه
۱۶	۱,۲. بلخ و توابع آن در شاهنامه
۱۷	۱,۱,۲. نوبهار
۱۸	۱,۲,۱,۲. فاریاب
۱۸	۳,۱,۲. طالقان
۱۹	۴,۱,۲. اندرآب
۱۹	۵,۱,۲. بدخشان
۲۰	۶,۱,۲. پنجهیر
۲۰	۷,۱,۲. سپیدکوه
۲۰	۸,۱,۲. بامیان
۲۱	۲,۲. طخارستان
۲۱	۱,۲,۲. سمنگان

جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

۲۲	 ۳,۲. نیشابور
۲۳	 ۱,۳,۲. نسا / فیروز
۲۴	 ۲,۳,۲. باورد / آبیورد
۲۴	 ۳,۳,۲. سرخس
۲۵	 ۴,۳,۲. طوس
۲۵	 ۵,۳,۲. چشمه سو
۲۶	 ۶,۳,۲. رود شهد / دریای شهد / تجن
۲۷	 ۷,۳,۲. کنابد
۲۸	 ۸,۳,۲. نوند
۲۸	 ۹,۳,۲. زبید
۲۸	 ۱۰,۳,۲. کاشمر / کاشمر
۲۹	 ۴,۲. مرو
۲۹	 ۱,۴,۲. مرو یا مرو شاهجان
۲۹	 ۲,۴,۲. زم
۳۰	 ۳,۴,۲. کاسه رود / کشف رود
۳۰	 ۴,۴,۲. گروگرد
۳۱	 ۵,۲. هرات
۳۱	 ۱,۵,۲. کروشان / کروخ
۳۲	 ۲,۵,۲. غرچگان
۳۳	 ۳,۵,۲. مرورود
۳۵	۳. سرزمین سند، هند و مکران در شاهنامه
۳۵	 ۱,۳. سرزمین سند در شاهنامه
۳۶	 ۱,۱,۳. رود سند / دریای قنوج
۳۶	 ۲,۳. هند
۳۸	 ۱,۲,۳. کشمیر
۳۹	 ۲,۲,۳. دنبر / دنور / دنبور / دنپور

فهرست مطالب

۳۹	 ۳,۲,۳. مای و مرغ
۴۰	 ۴,۲,۳. رود گنگ
۴۰	 ۵,۲,۳. قنوج
۴۱	 ۶,۲,۳. قندهار
۴۱	 ۳,۳. مکران
۴۲	 ۱,۳,۳. تیز
۴۴	 ۴. سرزمین زابل، سیستان و کرمان در شاهنامه
۴۴	 ۱,۴. زابل
۴۴	 ۱,۱,۴. غزنه / غزنین
۴۵	 ۲,۱,۴. کابل
۴۵	 ۳,۱,۴. افغانستان
۴۵	 ۲,۴. سیستان
۴۶	 ۱,۲,۴. بست
۴۷	 ۲,۲,۴. رودخانهٔ سیستان / هیرمند
۴۸	 ۳,۲,۴. داور
۴۸	 ۴,۲,۴. جز یا جزه
۴۸	 ۵,۲,۴. شارستانی در سیستان
۴۹	 ۶,۲,۴. آب زره
۵۰	 ۳,۴. کرمان
۵۱	 ۱,۳,۴. قاف / قافص / قوم کوچ
۵۱	 ۲,۳,۴. بلوچ / بلوص
۵۲	 ۳,۳,۴. کجاران / دژ هفتواد
۵۴	 ۵. سرزمینهای فارس، خوزستان، عراق، مصر و توابع آنها در شاهنامه
۵۴	 ۱,۵. فارس
۵۴	 ۱,۱,۵. اصطخر
۵۴	 ۲,۱,۵. شیراز

جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

۵۵	 ۳,۱,۵ دارابگرد
۵۵	 ۴,۱,۵ ارجان / ارگان / ارغان
۵۷	 ۵,۱,۵ خره اردشیر / گور / جور
۵۷	 ۶,۱,۵ جهرم
۵۸	 ۷,۱,۵ برقوه
۵۸	 ۸,۱,۵ دریای پارس
۵۹	 ۲,۵ سرزمین خوزستان
۶۰	 ۱,۲,۵ اهواز
۶۱	 ۲,۲,۵ گندشاپور / جندشاپور
۶۲	 ۳,۲,۵ شوستر
۶۳	 ۴,۲,۵ خرم آباد
۶۳	 ۵,۲,۵ نوشاد
۶۴	 ۶,۲,۵ برکه اردشیر
۶۴	 ۷,۲,۵ شارستانی در پارس
۶۵	 ۸,۲,۵ شاپورگرد / شاپورخره / سوس / شوش
۶۵	 ۳,۵ عراق
۶۶	 ۱,۳,۵ بغداد
۶۶	 ۲,۳,۵ نهروان
۶۷	 ۳,۳,۵ طیسفون
۶۸	 ۴,۳,۵ مداین
۶۸	 ۵,۳,۵ کرخ
۶۹	 ۶,۳,۵ میسان
۶۹	 ۷,۳,۵ بابل
۷۰	 ۸,۳,۵ کوفه
۷۰	 ۹,۳,۵ قادسی
۷۰	 ۱۰,۳,۵ دجله / اروندرود

فهرست مطالب

۷۱	 ۱۱,۳,۵ فرات
۷۲	 ۴,۵ مصر
۷۳	 ۱,۴,۵ اسکندریه
۷۴	 ۲,۴,۵ نیل
۷۶	۶. سرزمین جبال و توابع آن در شاهنامه
۷۶	 ۱,۶ جبال و معادل‌های آن در شاهنامه
۷۶	 ۱,۱,۶ عراق
۷۷	 ۲,۱,۶ قهستان / کهستان
۷۹	 ۲,۶ شهرهای منطقه جبال در شاهنامه
۸۰	 ۱,۲,۶ اصفهان
۸۱	 ۲,۲,۶ قم
۸۲	 ۳,۲,۶ همدان
۸۲	 ۴,۲,۶ ساوه
۸۳	 ۵,۲,۶ حلوان
۸۳	 ۶,۲,۶ ری
۸۴	 ۷,۲,۶ خوار
۸۶	۷. ماوراءالنهر و توابع آن در شاهنامه
۸۶	 ۱,۷ هیتال
۸۷	 ۲,۷ چغان
۸۷	 ۳,۷ سومان / شومان
۸۸	 ۴,۷ بخارا
۸۹	 ۵,۷ آتشکدهٔ برد سور در بخارا یا آتشکدهٔ طوایس
۹۰	 ۶,۷ فرب
۹۰	 ۷,۷ بیکند / پیکند
۹۱	 ۸,۷ دریای بیکند
۹۱	 ۹,۷ گنگدژ سیاوش / بخارا

جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

۹۳	 ۱۰,۷. رویین دژ/ بیکند
۹۴	 ۱۱,۷. مولیان
۹۴	 ۱۲,۷. سغد / صغد
۹۵	 ۱,۱۲,۷. سمرقند
۹۵	 ۲,۱۲,۷. نخشب
۹۶	 ۳,۱۲,۷. کشانیه
۹۷	 ۵,۱۲,۷. طراز
۹۷	 ۱۳,۷. رود برک/ سیحون/ رود چاچ / گلزیون
۹۹	 ۱۴,۷. خوارزم
۹۹	 ۱۵,۷. شگنان
۱۰۰	 ۱۶,۷. ترمذ/ ترمذ
۱۰۰	 ۱۷,۷. اسفنجاب / اسپجاب
۱۰۱	 ۱۸,۷. ختلان / ختل
۱۰۱	 ۱۹,۷. ویسه گرد
۱۰۲	 ۲۰,۷. ختن
۱۰۳	 ۲۱,۷. آموی
۱۰۵	۸. چین و ترکستان در شاهنامه
۱۰۵	 ۱,۸. چین در شاهنامه
۱۰۷	 ۱,۸. دریای چین/ دریای سبز
۱۰۷	 ۲,۸. ترکستان و توابع آن
۱۰۸	 ۱,۲,۸. غز
۱۰۸	 ۲,۲,۸. خلجستان
۱۰۸	 ۳,۲,۸. خلخ
۱۰۹	 ۴,۲,۸. سقلاب
۱۰۹	 ۵,۲,۸. قچقارباشی
۱۱۱	 ۵,۲,۸. چگل

فهرست مطالب

۱۱۲	 ۶,۲,۸. دریای کیماک
۱۱۴	 ۹. سرزمین دیلم و طبرستان و توابع آن در شاهنامه
۱۱۴	 ۱,۹. قومس
۱۱۴	 ۱,۱,۹. دامغان
۱۱۴	 ۲,۱,۹. دژ گنبدان
۱۱۵	 ۲,۹. گرگان
۱۱۶	 ۳,۹. طبرستان / مازندران
۱۱۸	 ۱,۳,۹. آمل
۱۲۰	 ۲,۳,۹. کوه آمل / دماوند
۱۲۰	 ۳,۳,۹. دهستان
۱۲۱	 ۴,۳,۹. بسطام
۱۲۱	 ۵,۳,۹. ساری
۱۲۲	 ۶,۳,۹. تمیشه / بیشه نارون
۱۲۳	 ۴,۹. دیلمان و گیلان
۱۲۴	 ۵,۹. دریای گیلان
۱۲۶	 ۱۰. سرزمین خزر و روس
۱۲۶	 ۱,۱۰. خزر
۱۲۷	 ۱,۱,۱۰. آلان
۱۲۷	 ۲,۱,۱۰. کوه قبق / کوه‌های قفقاز
۱۲۸	 ۳,۱,۱۰. دربند یا باب‌الابواب
۱۲۸	 ۴,۱,۱۰. برطاس
۱۲۹	 ۲,۱۰. روس
۱۲۹	 ۳,۱۰. دریای قار / روس / نیطس / سیاه
۱۳۱	 ۱۱. سرزمین رحاب و توابع آن در شاهنامه
۱۳۱	 ۱,۱۱. آرمینیه / ارمنستان
۱۳۱	 ۱,۱,۱۱. آران / ارجان

جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

۱۳۳	 ارمان: اران یا زرمان
۱۳۵	 ۲,۱,۱۱. بردع
۱۳۵	 ۳,۱,۱۱. شابران / شاوران
۱۳۶	 ۲,۱,۱۱. آذربادگان / آذربایجان
۱۳۷	 ۱,۲,۱۱. آذرگشپ
۱۳۹	 ۲,۲,۱۱. دریای چیچست
۱۴۰	 ۳,۲,۱۱. اردبیل
۱۴۱	 ۴,۲,۱۱. دشت دوک / دنک / دنق
۱۴۲	 ۵,۲,۱۱. مغان
۱۴۴	 ۱۲. سرزمینهای روم، اندلس و شام در شاهنامه
۱۴۴	 ۱,۱,۱۲. روم
۱۴۵	 ۱,۱,۱۲. دریای روم
۱۴۶	 ۲,۱,۱۲. یونان
۱۴۶	 ۳,۱,۱۲. انطاکیه
۱۴۷	 ۴,۱,۱۲. زیب خسرو / رومیه
۱۴۷	 ۵,۱,۱۲. قالینوس
۱۴۸	 ۶,۱,۱۲. التوینه
۱۴۹	 ۷,۱,۱۲. قسطنطنیه
۱۴۹	 ۸,۱,۱۲. عموریه
۱۵۰	 ۹,۱,۱۲. کارستان
۱۵۰	 ۱۰,۱,۱۲. وریغ
۱۵۱	 ۱۱,۱,۱۲. میافارقین
۱۵۱	 ۲,۱,۱۲. اندلس
۱۵۲	 ۱,۲,۱۲. سوس
۱۵۲	 ۲,۲,۱۲. سقیلا
۱۵۳	 ۳,۲,۱۲. هروم / جزیره النساء

فهرست مطالب

۱۵۳	 ۳، ۱۲. شام
۱۵۴	 ۱، ۳، ۱۲. سوریان
۱۵۵	 ۲، ۳، ۱۲. حلب
۱۵۶	 ۳، ۳، ۱۲. اردن
۱۵۶	 ۴، ۳، ۱۲. غسانیان
۱۵۸	۱۳. سرزمینهای عربستان، حبشه، بربر و بحرین در شاهنامه
۱۵۸	 ۱، ۱۳. عربستان/ دشت سواران نیزه‌گذار
۱۵۹	 ۱، ۱، ۱۳. یمن/ حمیر/ هاماوران
۱۶۰	 ۲، ۱، ۱۳. جدّه
۱۶۱	 ۴، ۱، ۱۳. مکه
۱۶۱	 ۵، ۱، ۱۳. کعبه
۱۶۲	 ۶، ۱، ۱۳. طایف
۱۶۲	 ۷، ۱، ۱۳. عدن
۱۶۲	 ۸، ۱، ۱۳. نصیبین
۱۶۳	 ۹، ۱، ۱۳. باهله
۱۶۳	 ۲، ۱۳. دریای قلزم
۱۶۴	 ۳، ۱۳. بربرستان
۱۶۵	 ۴، ۱۳. حبش / حبشه
۱۶۶	 ۵، ۱۳. بحرین
۱۶۷	فهرست منابع و مآخذ
۱۷۳	پیوست: فهرست نقشه‌ها

پیشگفتار

شاهنامه فردوسی، به اتفاق اکثر محققان تاریخ پیشینیان و سرگذشت ایران است؛ اما برای پژوهشگرانی که بخواهند با دیدی صرفاً تاریخی به مطالعه این اثر بپردازند؛ به خاطر آمیختگی آن با اسطوره و داستان‌های غیرواقعی‌نما، ضمن اینکه در دستیابی به شواهد کافی، با مشکل مواجه می‌شوند، ممکن است بر مطالعات آن‌ها هم خرده گرفته شود درحالی‌که نه تنها تاریخ ایران؛ بلکه همه اقوام و ملل متمدن، مبادی تاریخشان مجهول و آمیخته با اسطوره و افسانه است؛ دلیل عمده این مسئله، این است که تاریخ-نگاری در قدیم جنبه علمی نداشته و فاقد روش و متدی بوده که مورخ با استفاده از آن مجهولات را معلوم کرده و جهت ارزیابی مطالب و منابع خود از آن استفاده کند.

حوادث شاهنامه هم اگرچه آمیخته با اسطوره است؛ اما در لابه‌لای آن سیر آفرینش و تاریخ ایران مشاهده می‌شود؛ این ادعا با تطبیق منابع تاریخی معاصر شاهنامه با این اثر کاملاً به اثبات می‌رسد؛ هرچند باید به این مسئله توجه کرد که فردوسی؛ مانند یعقوبی، طبری، ابن‌اثیر و سایر مورخان، هدفش صرفاً بیان حوادث تاریخی نیست؛ بلکه او می‌خواهد مضامین تاریخی را در قالب داستان، آن‌هم به زبان شعر برای مخاطب خویش بیان نماید و این ایجاب می‌کند که به عناصر داستان‌نویسی و تخیل در شعر هم توجه نماید و مهارت خود را در اجتماع واقعیت‌های تاریخی و تخیلات شاعرانه نشان دهد و اثری بیافریند که «تاریخ داستانی» به تمام معنا باشد.

از طرفی دیگر، بررسی حوادث تاریخی نشان داده‌است که این وقایع از اعلام و اشارات جغرافیایی جدا نیستند و بیان هر سیر تاریخی دربردارنده اشارات مختلف جغرافیایی؛ به‌ویژه اشاره به مکان و موقعیت‌های حادثه، است؛ پس به یقین شاهنامه هم در لابه‌لای حوادث؛ اعم از اسطوره، حماسه و تاریخ بیانگر مکان‌هایی است که بررسی

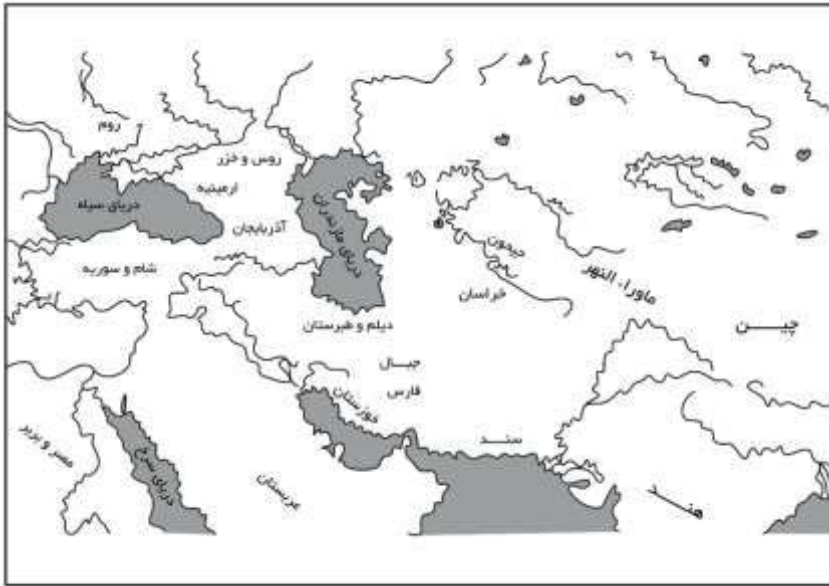
جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

دقیق آن‌ها و ارائه تصویری کلی از جغرافیای مکان‌های شاهنامه ضروری است؛ به همین دلیل این کتاب قصد دارد به بررسی موقعیت جغرافیایی مکان‌های شاهنامه بپردازد.

هرچند تاکنون، تحقیقات مستقل دیگری هم در زمینه جغرافیای شاهنامه انجام شده است؛ مثل کتاب «مرزهای ایران و توران بر بنیاد شاهنامه فردوسی» از حسین شهیدی مازندرانی (۱۳۷۶) یا «جغرافیای شاهنامه از کیومرث تا کیخسرو» از حانیه بیرمی (۱۳۸۹) و کتاب «جغرافیای سیاسی شاهنامه» از ابوالفضل کاوندی کاتب (۱۳۹۴) و همه این منابع در جایگاه خود بسیار ارزنده هستند؛ اما برخی از آن‌ها تنها به معرفی مکان در بخش‌هایی از شاهنامه پرداخته‌اند؛ درحالی‌که در این کتاب سعی شده تمام اعلام جغرافیایی بررسی و بر روی نقشه مشخص گردند و در برخی دیگر، بیشتر بر مفاهیم سیاسی و سیر تطور آن‌ها تأکید شده‌است؛ اما این مطالعه بیشتر بر شناساندن مکان‌ها و جایگاه آن‌ها در شاهنامه تأکید و تمرکز کرده است.

برای دستیابی به این هدف، پس از استخراج شواهدی که در شاهنامه به اعلام جغرافیایی یا موقعیتی اشاره کرده، به بررسی و تطبیق آن‌ها با متون جغرافیایی نویسندگانی؛ مانند: «بلاذری»، «بیرونی»، «حموی»، «سیرافی»، «قدامة بن جعفر»، «قزوینی»، «کوفی»، «مسعودی»، «مقدسی»، «مهلبی»، «نرشخی»، «یعقوبی»، «ابن خردادبه»، «ابن فقیه»، «ابن حوقل»، «اصطخری» و غیره پرداخته شده؛ تا صحت، تغییر و تبدیل این اعلام مشخص شود. در این بین برخی اعلام بودند که نام آن‌ها در منابع جغرافیایی یافت نشد و برای پیدا کردن آن‌ها به متون تاریخی که بیانگر واقعه و مکان آن بودند، مراجعه شده‌است. در نهایت برای نشان دادن تصویر جامعی از اعلام جغرافیایی شاهنامه با الگوبرداری از تقسیم‌بندی کتاب «حدودالعالم» و اقتضای شواهد شاهنامه، شهرها زیرمجموعه مناطق خاصی طبقه‌بندی شده‌اند. این مناطق در نقشه زیر نشان داده شده‌اند و هر منطقه در فصلی از این کتاب بررسی شده؛ البته در فصل اول با توجه به اهمیت موضوع، مراکز حکومتی معرفی شده‌است.

پیشگفتار



نقشه (۱): مناطق مختلف شاهنامه فردوسی روی نقشه

چنان‌که مشاهده می‌شود در شاهنامه به مناطق مختلفی که امروزه زیرمجموعه سه قاره «آسیا، اروپا و آفریقا» است، اشاره شده؛ هرچند این اشارات گاهی دقیق و گاهی کلی است؛ به‌عنوان مثال، از مناطقی؛ مانند چین، سند و هند، روس و خزر در مقابل سایر مناطق به‌طور کلی سخن گفته شده - و حتی در کاربرد برخی از این اعلام تغییرات و اشتباهاتی مشاهده می‌شود؛ اما این موارد کم و انگشت‌شمارند و در بیشتر موارد نام و موقعیت مکان‌ها به‌درستی ذکر شده‌است.

علاوه بر کاربرد دقیق بیشتر اعلام جغرافیایی، بررسی فاصله شهرها و مکان‌های جغرافیایی شاهنامه نشان می‌دهد که فردوسی از فواصل این مکان‌ها هم مطلع بوده‌است؛ البته منظور تعیین فاصله بر اساس مقیاس دقیق نیست؛ بلکه وقتی یکی از شخصیت‌های شاهنامه از مکانی به مکانی می‌رود، در بیان شهرهایی که در این فواصل قرار دارند، دقت خاصی مشاهده می‌گردد؛ مثلاً در منابع جغرافیایی از طالقان تا فاریاب چهار منزل و میان آن با مرور سه مرحله بوده است، در شاهنامه هم سیاوش از هرات به طالقان و مرور و بعد به بلخ می‌آید یا کاووس برای استقبال کیخسرو ابتدا به طالقان و مرور می‌رود بعد نیشابور.

اشاره به ساخت شهرها و بانی آن‌ها هم یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که در

جغرافیای جامع شاهنامه فردوسی

شاهنامه قابل ملاحظه است؛ فردوسی؛ همچون سایر منابع جغرافیایی به بانی شهرهای ایران؛ به ویژه در قسمت تاریخی شاهنامه توجه خاصی داشته و در لابه لای اقدامات شاهان به این موضوع پرداخته است.

آنچه بیش از اینها دقت فردوسی را در توجه به جغرافیای مکان نشان می دهد، اشاره به خصیصه های برجسته شهرها و آداب و رسوم آنهاست؛ مثلاً اشاره به نهنگان نیل و استفاده از آن در تصویرپردازی ها، اشاره به شهرت هندی ها به «کشور کافران» یا شهرت آنها در زمینه پزشکی و نجوم؛ همچنین اشاره به آداب و رسوم شاهی آنان که در جای خود به تفصیل آمده است.

شایان توجه است که فردوسی اعلام جغرافیایی را به دو صورت به کار برده است: یکی ذکر نام مکان به صراحت و دیگری خودداری از آوردن نام و اکتفا به توصیف موقعیت جغرافیایی آن مکان. شیوه دوم که زیاد رایج نیست، در موارد زیادی از شاهنامه مشاهده می شود؛ مثلاً در شاهنامه مستقیماً از دریند نام برده نشده است؛ اما وقتی «انوشیروان» از گرگان و ساری به آمل می رسد، به کوهی بلند برخورد می کند که از طبیعت آن بسیار لذت می برد و به خاطر شکوه آنجا خدا را شکر می کند. فردی به او می گوید که اینجا از غارت ترکان در امان نیست و از انوشیروان طلب یاری می کنند و او برای ممانعت از حمله دشمنان به آنان دستور می دهد که دیوار یا سدی بر آن بسازند. با استناد به منابع جغرافیایی این قوم یورشگر، «قوم خزر» هستند و «باب الابواب / دریند» نام سدی است که برای ممانعت از آنها ساخته شده است یا هنگام بازگشت «کیخسرو» به ایران از آتشکده ای در بخارا بدون ذکر نام آن سخن گفته شده که با توجه به اینکه از سغد به بخارا می آید و مستقیماً به آتشکده می رود و با استناد به کتب جغرافیایی باید به شهر «طواویس» وارد شده باشد؛ همچنین در اقدامات شهرسازی «شاپور پسر اردشیر» به ساخت شهری در سیستان اشاره شده است که این شهر در منابع جغرافیایی «زرنج / زرنگ» سیستان است. به همین ترتیب، درجایی دیگر از شارستانی در پارس سخن گفته شده است که توسط شاپور بن اردشیر ساخته می شود و در تاریخ نامه طبری نام این شهر «شادشاپور» است.

هرچند کاربرد بیشتر اعلام جغرافیایی در شاهنامه صحیح است؛ اما در نام برخی از مکان ها تغییراتی هم مشاهده می شود؛ این تغییرات به شیوه های مختلفی ایجاد شده؛ گاهی نام مکان کاملاً تغییر نموده است؛ مثلاً کاربرد «زیب خسرو» به جای «رومیه» و

پیشگفتار

«کارستان» به جای «رقه و یرموک»؛ گاهی در دو حرف، این تغییرات اتفاق می‌افتد؛ مثلاً «سقیلا» به جای «صقلیه» یا «ویسه‌گرد» به جای «واشجرد»؛ گاهی در یک حرف؛ مانند «دژگنبدان» به جای «دوگنبد» و گاه حذف یک حرف از آخر کلمه؛ مثل «قاف» به جای «قافص» یا «سو» به جای «سوز / سبز». در ایجاد این تغییرات عوامل مختلفی مانند ایجاد تناسب با فضای اسطوره‌ای شاهنامه، رعایت وزن، رعایت امانت در منابع اصلی شاهنامه و ... می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ اما در برخی موارد، به نظر می‌رسد نوعی تصحیف نسخه‌نویسان باشد تا تغییر از جانب فردوسی؛ به عنوان مثال کاربرد «حلوان» به جای «حران» یا «برکه اردشیر» به جای «بوژاردشیر» یا «بوداردشیر»، «سومان» به جای «شومان»، «اران» به جای «ارجان / ارگان» و «ارمان» به جای «اران / زرمان».

خاورقربانی - حمیرا زمردی

پاییز ۱۴۰۲